



## The Impact of Money Heist: A Critical Analysis of Criminal Identity and Criminological Perspectives in Popular Culture

Marjan Negahi Mokhless Abadi\*

### Abstract

The television series "Money Heist" has become a popular cultural phenomenon with significant implications for society's perceptions of crime, criminal justice, and criminology. This study examines the dual function of cinema, which can contribute to the creation of criminal elements and motives while also playing a crucial role in addressing crimes and enhancing awareness among criminal justice agents and preventive measures.

Using qualitative content analysis, this research focuses on chapters one and two of "Money Heist," selecting sequences relevant to the topic and summarizing key propositions after removing duplicates. The raw data for this analysis was derived from reviewing characters, items, dialogues, and themes within the series.

"Money Heist" was produced in Spain in 2017 and directed by Alex Pina. The series revolves around a character known as the "Professor," who recruits experienced thieves with criminal convictions to execute an elaborate plan involving the Spanish National Mint. The thieves take hostages and print millions of euros, driven by their frustration with government injustice and perceived categorization as absolute good or absolute bad. Committing robbery is their lifestyle, and they revel in it, aiming to execute the most perfect heist in history.

---

**How to Cite:** Negahi Mokhless Abadi, M. (2023) The Impact of Money Heist: A Critical Analysis of Criminal Identity and Criminological Perspectives in Popular Culture, *Journal of Legal Studies*, 15(3), 115-153.

---

\* Assistant Prof. Faculty of Law and Social Sciences, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran .  
marjannegahi@gmail.com

Through an examination of the criminal identity of the robbers and the inspector, this study draws on critical and radical criminology approaches, including labeling theories, conflict criminology, general theory of pressure, neutralization, feminist criminology, and developmental prevention. The findings reveal significant theoretical foundations, such as the conflict between rulers and the condemned, social factors influencing crime, resistance against capitalism, and radical and feminist perspectives. The study analyzes the role of the government and the criminal justice system in the formation of criminal motivations, the process of criminality, and factors affecting crime commission.

Employing cultural criminology, the research investigates internal factors shaping the criminal identity and process. The series portrays robbery and hostage-taking as political activities and resistance in a capitalist society, reflecting a dominant view of social determinism. Narrative patterns in the series often emphasize social inequalities like poverty, unemployment, and gender discrimination, portraying the corruption of the capitalist system and its role in facilitating crime while ridiculing the effectiveness of punishment and law enforcement.

Additionally, feminist and postmodern approaches highlight the double deprivation of social and legal rights for women in patriarchal societies. The series' approach to crime is influenced by postmodern and critical criminology, emphasizing power, discourse, and mentality, and considering crime as a construct of criminalization by the legislator rather than possessing inherent characteristics.

The series' widespread popularity and the audience's identification with the hostage takers suggest shared experiences of suffering, joy, hopes, and marginalized discourses. Language and discourse play essential roles in influencing crime commission, with forbidden or marginalized narratives providing opportunities for criminal behavior.

Dealing with crime and prevention necessitates collaboration among various institutions, including the government, cultural bodies, and the judicial system. Good governance, characterized by transparency, legality, accountability, and justice-oriented practices, plays a vital role in reducing crime rates and increasing legitimacy. Enacting fair laws, ensuring legal protections without discrimination, and involving diverse social classes, minorities, and cultural groups in the legislative process are crucial to achieving social and economic justice.

In conclusion, "Money Heist" serves as a lens to examine criminal identity and criminological perspectives in popular culture, shedding light on how media influences perceptions of crime, justice, and governance. Understanding the impact of such cultural media is essential for shaping

effective crime prevention strategies and fostering a just and equitable society.

**Keywords:** Crime Film, Narrative, Representation, Cultural Criminology, Research Narrative Criminology, Feminist Criminology.

**Article Type:** Research Article.

## بررسی جرم‌شناختی مجموعه تلویزیونی «سرقت پول»

مرجان نگهی مخلص‌آبادی\*

### چکیده

فیلم جنایی، رسانه‌ای فرهنگی است و در ساخت پدیده اجتماعی و القاء شیوه تفکر نقش‌آفرینی می‌کند. این پژوهش با هدف تقویت مطالعات جرم‌شناسی و ارائه راهکار به دنبال پاسخ به این پرسش است که بازنمایی والقا نوع نگرش به جرم، مجرم و عدالت کیفری در مجموعه «سرقت پول» متأثر از کدام دسته از نظریه‌های جرم‌شناسی است. به نظر می‌رسد بازنمایی در این مجموعه عموماً متأثر از نظریه جرم‌شناسی انتقادی است. در این مقاله مجموعه «سرقت پول» با روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از تقابل میان منافع حاکمان و محکومان، اثرپذیری جرم از عوامل اجتماعی، ارتکاب جرم به منزله مقاومت و ایستادگی در مقابله سرمایه‌داری و دیدگاه‌های عموماً انتقادی و رادیکال جرم‌شناسی است. الگوهای روایتی، بیشتر شامل نابرابری‌های اجتماعی از جمله فقر، بیکاری و تبعیض جنسیتی، فساد نظام سرمایه‌داری و نقش آن در ارتکاب جرم و ناکارآمدی مجازات است. با رمزگشایی بازنمایی متن و زیرمتن‌ها، سارقان، قهرمان مردمی هستند و در مقابل نابرابری‌های حاکم بر جامعه قیام کرده‌اند. مأموران اجرای قانون، عموماً نالایق و فاسد هستند. در سیاست خودی/ غیر خودی، دور شدن از مرکز قدرت موجب افزایش شعاع حلقه غیر خودی‌ها و کاهش شعاع حلقه حمایت قانونی است.

**واژگان کلیدی:** فیلم جنایی، روایت، بازنمایی، جرم‌شناسی فرهنگی، جرم‌شناسی روایت‌پژوه، جرم‌شناسی فمینیستی.

**نوع مقاله:** مقاله پژوهشی.

\* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

marjannegahi@gmail.com

## سرآغاز

در جهان کنونی تجربه‌های زندگی زیسته بشر متأثر از رسانه‌های جمعی روبه‌افزایش شنیداری، تصویری و متنی مانند فیلم، کتاب، رادیو و تلویزیون است. از کارکردهای مهم اجتماعی فیلم‌های جنایی، بازآفرینی، ایجاد ارتباط فردی و غیرانحصاری با مخاطب، انتقال مستقیم پیام‌های دیداری و شنیداری و القا ارزش‌های اجتماعی است (Croteau & Hoynes, 2019:27, Lerni & Maslahati, 2006:93). این فیلم‌ها، بینشی از جرم، مجازات و عدالت کیفری را به مخاطب القا می‌کند (Raftar, 2006:3) و بر نگرش انسان به جهان، فلسفه زندگی و نهادهای سیاسی - اجتماعی جامعه اثر می‌گذارد. یکی از نقش‌های این رسانه فرهنگی، بازنمایی دیدگاه‌های غالب و شکل‌گیری ایده‌ها و ادراکات افراد جامعه است. فیلم‌ها متأثر از چارچوب سیاسی - اقتصادی هستند و با وجود عدم پیوند دائمی میان مکان تولید، زمان رخداد، ملیت بازیگران و سازندگان (Menel, 2014:61,73) با جادوی همذات‌پنداری و چگونگی روایت، مخاطب را با خود همراه می‌سازند.

نظریه‌های گوناگون جرم‌شناسی در متن و زیرمتن فیلم‌های جنایی خودنمایی می‌کند. آن‌ها، بیانگر فضای اجتماعی حاکم بر دوره زمانی ساختشان بوده و مخاطب را با شرایط اجتماعی پیدا و پنهان آشنا می‌سازند. باین وجود، تمام آنچه در فیلم نمایش داده می‌شود واقعیت محض نیست. فیلم، بازنمایی دست‌چین شده کارگردان است. او، بر اساس جهان‌بینی خویش و تعلق داشتن به گروه‌های خودی یا غیرخودی، تیپ‌های اجتماعی ویژه‌ای را انتخاب می‌کند. روند تبدیل شدن ناکرده‌بزه به بزه‌کار و انگیزه او برای ارتکاب جرم و جایگاه نظام عدالت کیفری و عملکرد آن را بازنمایی می‌کند. او در این بازنمایی آگاهانه یا ناآگاهانه متأثر از کدام دسته از نظریه‌های جرم‌شناسی بوده است؟ در روند تبدیل شدن شهروند قانون‌مدار به بزه‌کار کدام عوامل درونی، بیرونی و ویژگی‌های فردی، شرایط اجتماعی و تجربه‌های زیسته مجرم واجد اثر معرفی شده است؟ چه عواملی در ایجاد سابق درونی و انگیزه فرد برای ارتکاب جرم نقش داشته

است؟ معیار سنجش دیدگاه افکار عمومی در رابطه با عملکرد سیستم عدالت کیفری چه بوده است؟

در این تحقیق بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، پس از گردآوری و ساماندهی اطلاعات دیداری و نوشتاری، معانی آن‌ها تحلیل و تفسیر می‌شود. فصل یک و دو برای بررسی و بازبینی و سکانس‌های مرتبط با موضوع انتخاب شد. اقدام آخر، حذف موارد تکراری و بازبینی مجدد و تلخیص گزاره‌هاست. داده‌های خام تحقیق نتیجه چندین بار بازبینی شخصیت‌ها، آیتم، دیالوگ و مضمون‌های فیلم است.

در این نوشتار با هدف بررسی و تفهیم موضوع ابتدا به بررسی اهمیت فیلم جنایی و بررسی جرم‌شناختی، تبیین مفاهیم، خلاصه فیلم، پرونده شخصیت مجرمان، پرداخته و سپس به تحلیل فیلم بر مبنای نظریه‌های جرم‌شناختی و در نهایت نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

### ۱. اهمیت فیلم‌های جنایی و بررسی جرم‌شناختی

فیلم‌ها، بر اساس تشابه روایتی در دسته‌بندی / ژانرهای مختلف قرار می‌گیرند. در صورت وجود روایت‌های گوناگون در یک فیلم، روایت غالب، تعیین‌کننده نوع ژانر است. می‌توان فیلم‌های دارای روایت غالب جرم، بزه‌کار، مجازات و عدالت کیفری را در ژانر «فیلم‌های جنایی» قرار داد. اگرچه برخی، برای این‌گونه فیلم‌ها قائل به ژانر خاص نبوده و آن را تنها استعاره روایتی می‌دانند (Rafter, 2006:6).

فیلم‌های جنایی، دارای موضوع‌های جذاب، عامه‌پسند و مورد توجه فیلم‌سازان هستند (Soulliere, 2003: 13). از دهه ۱۹۸۰ میلادی ۱/۳ برنامه‌های تلویزیونی آمریکا به این ژانر اختصاص یافت. برخی پژوهش‌ها، بیانگر رابطه معنادار مستقیم میان دیدن تصاویر جرم، بزه‌دیده، مجرم و نظام عدالت کیفری و نگرش و رفتار مخاطب است. به‌علاوه، با افزایش زمان تماشای تلویزیون، دیدگاه غیرواقعی‌تر از جرم افزایش و میزان آگاهی از روند عدالت کیفری کاهش می‌یابد. در فیلم‌هایی مانند مرد خفاش، مرد

عنکبوتی و مجازات‌گر، مأموران اجرای قانون نالایق و فاسد و اجرای مجازات، عادلانه ترسیم شده است. بر اساس گزارشی در سال ۲۰۰۸ میلادی از سه شبکه ان.بی.سی، سی.بی.سی و ای.بی.سی، روزانه از ساعت ۷ تا ۱۰ شب نوزده فیلم با موضوع جرم و جنایت پخش شده است. بر اساس نظریه جرج گربنر، فقدان تجربه مستقیم جرم به همراه حجم بالای جرائم نمایش داده‌شده، منجر به ایجاد فرصت کاشت و تزریق اطلاعات عموماً نادرست درباره مجرم و بزه‌دیده و در نتیجه ایجاد هراس از جرم و بزه دیدگی در ذهن مخاطب است (Soulliere, 2003: 231-233, Rader & Rhineberger, 2010: 13). اگرچه برخلاف نظریه گربنر، مخاطبان الزاماً برداشت یکسانی از فیلم ندارند. رفتار نیز، مخاطب را لزوماً منفعل نمی‌داند. متغیرهایی از جمله جنس، سن، سطح سواد، تجارب شخصی و محیط اجتماعی بر تفسیر محتوای عرضه‌شده به مخاطب اثر می‌گذارد (Habibzadeh, Afkhami, Naderpour, 2008: 112-113).

فیلم‌ها، از قابلیت خلق معنا، فرهنگ‌سازی و اثرگذاری اجتماعی برخوردارند. اهمیت فیلم‌های جنایی از چشم‌اندازهای گوناگون قابل بررسی است؛ اما با توجه به موضوع مقاله تنها به بیان اهمیت آن بر اساس کارکرد و اثرگذاری بسنده می‌شود:

- از منظر ایدئولوژی التوسری، فیلم جنایی از طریق تصویرسازی واقعیت‌گزینش‌شده در روایات و تصاویر، به ارسال پیام‌های ایدئولوژیک و پیش‌فرض‌ها به مخاطب می‌پردازد (Rafter, 2006: 8). نقش فعال فیلم در ایجاد پدیده اجتماعی بدون نیاز به تجربه مستقیم مخاطب و زیر اثر بازنمایی برساخته‌شده و منابع اطلاعاتی مهم دارای اهمیت است (Soulliere, 2003: 13). به عبارت دیگر، می‌توان با رمزگشایی نشانه‌ها و پیام‌های فیلم به مضامینی از قبیل عدالت، جرم، قانون و عدالت کیفری پرداخت و با ایجاد فرهنگ و معنا و ارائه تفسیر از واقعیت بر متن و بافت اجتماعی تأثیر گذاشت؛

- رویکرد روان‌تحلیلی مارکس، فیلم‌های جنایی را گریزگاه واقعیات دردناک اجتماعی می‌داند (Rafter, 2006: 3, 8). این ژانر با بازنمایی متن، شرایط، تنش و نگرش‌های اجتماعی (Havako, 1982: 35) و القا شیوه تفکر، مخاطب را در تاب‌آوری تنش‌ها

یاری می‌کند. مخاطب، جویای جهان عادلانه و خواستار داستان روایتگر غلبه خوب بر بد و سزادهی اوست (Welsh, Dawler, Thomas, 2011:461). داستان، به بیان معنای زندگی می‌پردازد و مخاطب تصویر امر واقع در سینما را دارای معنا می‌داند (Ishaqpour, 2018:138).

- بازنمایی فرایند تبدیل انسان قانون‌مدار به انسان معارض با قانون در فیلم، به شناخت عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، تقویت دانش آکادمیک و چگونگی تفسیر جامعه از جرم، عدالت و قانون کمک می‌کند (Rafter, 2006:47; Spina, 2017:22).

- فیلم‌های جنایی با مخدوش ساختن اقتدار مطلق قانون، به‌کارگیری سیستم‌های کنترل اجتماعی را مفید، عادی‌سازی و تقویت می‌کند (Rafter, 2006:13). آن‌ها، اغلب تفسیرگر دنیای واقعی هستند. در فیلم روایت، استعاره‌های سیاسی، انقلابی و محافظه‌کار هم‌جوار شده و با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی پیوند می‌خورد (Bordel, 2015:38).

اهمیت فیلم‌های جنایی و استقبال جهانی از سریال سرقت پول/خانه کاغذی، بیانگر سودمندی انتخاب و تحلیل جرم‌شناختی است.

## ۲. تبیین مفاهیم

شناسایی و فهم داده‌های خام فیلم مستلزم پرداختن به برخی مفاهیم ضروری است. دنیای سراسر تصویر و ارتباطات مستمر امروزی، مشوق به‌کارگیری ابزارهای سمعی-بصری در تحقیقات جرم‌شناسی است. جرم‌شناس به‌وسیله تحقیقات عمیق مردم‌شناختی، به نفوذ و تعامل با تصاویر و بازنمایی می‌پردازد. پس از آشکارگی تفاوت‌های ظریف دنیای مصور در رسانه و فرایند انسانی پیچیده سرمایه‌گذاری برای تولیدات محصولات بصری فرهنگی - سیاسی، به‌وسیله رمزگشایی بازنمایی، معنای حقیقی و پیام‌های پنهان، زیرمتن و استعاره‌های داستان و روایت را بررسی و تحلیل می‌کند (Seeger, 2016:56)؛ بنابراین، بررسی جرم‌شناختی این آفریده سمعی-بصری در



قالب یک متن و استخراج داده‌های موردنیاز و چگونگی و شیوه تحلیل آن نیازمند تبیین مفاهیم اساسی متن، زیر متن، روایت، بازنمایی است:

## ۲-۱. متن و زیرمتن

«متن»، هر اثری است که می‌تواند خوانده شود مانند فیلم سینمایی و آگهی‌های مکتوب (Khodadadi & Taheri, 2017:36). زنجیره دلالت‌های معنایی و نظامی از نشانه‌های نامرئی است و به‌وسیله پیام به انتقال اندیشه می‌پردازد (Giro, 2008:19). میان دال و مدلول، نشانه و معنا رابطه ذاتی وجود ندارد. معنا، سیال و پویاست و نشانه‌های واحد در زبانه‌ای مختلف معنای واحد ندارند (Saussur, 2016:98).

پساساختارگرایان، متن را سازنده حوزه دانش‌های گوناگون و زنجیره‌ای از حوادث آغازشده، به میانه رسیده و پایان‌یافته می‌دانند (Khodadadi & Taheri, 2017:37,39). متن‌ها، در ارتباط با یکدیگر و متأثر از ایدئولوژی، سیاست، زندگی افراد و تاریخ هستند (Rashidian, 2015:140).

«زیرمتن»، کلمات و اعمال ناپیدا و پنهان‌شده متن و اصل ماجراست و از طریق کلمات، اشاره‌ها، کش‌ها و واکنش‌ها، تصاویر و ایماژها قابل شناسایی است (Seeger, 2016:10,11,21). فیلم، متن و زیرمتنی است که به‌وسیله بازنمایی به خلق و انتقال معنا می‌پردازد.

## ۲-۲. بازنمایی

«بازنمایی»، گزینش هدفمند واقعیت، تحت تأثیر اشخاص و گروه‌های گزینشگر و اشکال بازنمایی است (Strinati, 2008:65). این ابزار فرهنگی، محصول تولید معنا به‌وسیله زبان، برسازنده معنا و تحولات آن است. معنا انعکاس واقعیت عینی نیست و برساخته‌گفتمان، فرهنگ و نظام‌های بازنمایی است. روایات، در رسانه‌های دیداری به وسیله «بازنمایی» برساخته می‌شوند و با توسل به نشانگان، چارچوب‌های مفهومی-زبانی به ایجاد معنا

می‌پردازند. معنابخشی، در صورتی به وسیله «نظام قدرت» مشروعیت می‌یابد که همسو با هدف، ایدئولوژی و ارزش‌های طبقه خاص باشد. تحلیل بازنمایی، نیازمند تحلیل نشانگان و گفتمان است. در نشانه‌شناسی، چگونگی تولید معنا توسط زبان و در تحلیل گفتمان، نتایج و آثار گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد (Hall, 2019:25).

معنا، در فرایند اجتماعی «نظام بازنمایی» برساخت‌گرایانه ایجاد و همواره در معرض مذاکره و تعارض قرار می‌گیرد. برخی گروه‌های اجتماعی هژمونی یافته و برخی دیگر مغلوب می‌شوند. فیلم، نوعی نظام بازنمایی و زیر سیطره گفتمان حاکم است و با تغییر دوره فرهنگی تحول می‌یابد. اگرچه در بازنمایی، مقصود بازنمایانگر به تصویر کشیده می‌شود اما مخاطب بر اساس رژیم نگاه کردن خویش به رمزگشایی می‌پردازد. او، متأثر از عوامل فرهنگی، تجربه‌های زیسته، جایگاه اجتماعی، باورهای مذهبی و ویژگی‌های فردی، رمزگشایی متفاوت از دیگری خواهد داشت (Bahrini, Hosseini, 2017:20).

یکی از اشکال بازنمایی، «گفتمان» است. از منظر فوکو، گفتمان برسازنده موضوع و معرف و تولیدکننده ابژه دانش (Hall, 2019:350,362)، تعیین‌کننده الزام‌های بیان و اسرار مگوی متن (Storey, 2008:24)، منطق فکری حاکم بر یک دوره تاریخی ویژه و فرایند تولید و بازتولید معناست (Sultani, 2012:86).

### ۳-۲. روایت

ژرار ژنت، نظریه‌پرداز مشهور فرانسوی، روایت را گزارش رویداد یا داستان می‌داند و نه نمایش داستان واقعی یا تخیلی. روایت، هم‌ردیف داستان نیست. داستان، رویداد رخ داده و روایت، نحوه بیان رویداد است. روایت داستان با ابزار متفاوت صورت می‌گیرد. سینما داستانش را با نور، حرکت و گفتگو روایت می‌کند و رمان از طریق نوشتار (Khodadadi & Taheri, 2017:31). داستان، رگه‌هایی از واقعیت، حقیقت و

دروغ‌های گذشته دارد اما جذابیت آن نهفته در پیشگویی و اخبار آینده است ( Maruna, 2020:4).

روایت، گونه‌ای «گفتمان» است اما همه گفتمان‌ها روایت‌گونه و همه روایت‌ها مبتنی بر زبان نیستند. انسان‌های نخستین داستان شکار و زنان و مردان خویش را با حکاکی تصاویر بر روی دیوار غارها روایت کرده‌اند. راوی، همواره به میزان کم یا زیاد در متن حضور دارد و متن هیچ‌گاه تهی از راوی نخواهد بود ( Bahmani & Khoshguyanfar, 2016:14). روایت راوی متأثر از پیشینه حیات، تجارب زیسته، باورها و محتویات ضمیر ناخودآگاه اوست. تجربه زیسته و بازگوشده افراد معنا یافته و موجب تولید و بازتولید واقعیت می‌شود.

جرم‌انگاری، جرم را بدل به روایتی می‌کند که راستی آن اهمیت زیادی ندارد. مهم نمایش بافت اجتماعی و سیستم ارزشی شکل‌دهنده به روایات است. روایت‌گر، با تجمیع گفتمان‌های فرهنگی گوناگون به ارائه روایات جامع و پاسخگویی به انتظارات مخاطب می‌پردازد و بر جامعه اثر می‌گذارد (Charissa, 2019).

### ۳. خلاصه فصل نخست و دوم سریال (نسخه فارسی فیلمو)

فصل نخست و دوم سریال، ساخت سال ۲۰۱۷ اسپانیا به کارگردانی الکس پینا است. پرفسور، در خانه ای دورافتاده چگونگی اجرای نقشه اشغال ضرابخانه ملی اسپانیا، گروگان‌گیری ۲۴ شهروند و چاپ میلیون‌ها یورو را در مدت ۵ ماه به ۸ سارق آموزش می‌دهد. هدف، انجام بی‌نقص‌ترین سرقت در تاریخ اسپانیا و جهان است. آن‌ها، چیزی برای از دست‌دادن ندارند و با این سرقت زندگی‌شان متحول می‌شود. رعایت این قوانین الزامی است: ۱. پنهان نگه‌داشتن هویت واقعی و نام‌گذاری سارقان با اسامی شهرهای توکیو، مسکو، دنور، برلین، نایروبی، هلسینکی، اسلو و ریو؛ ۲. نداشتن رابطه عاشقانه و عاطفی میان اعضا؛ ۳. آسیب نرساندن و حمایت از جان گروگان‌ها و سایرین. همگی، سرهمی قرمز پوشیده و ماسک دالی می‌زنند. مواد غذایی و دارویی موردنیاز

گروگان‌ها را در اختیارشان می‌گذارند. گروگان‌ها برای خانواده‌ها پیام ارسال کنند و با توجه به مهارت و توانمندی در عملیات بکار گرفته می‌شوند. میان پرفسور و بازرس پلیس مذاکراتی انجام می‌شود. برخی قوانین نقض شده و شرایط پیش‌بینی نشده به وجود می‌آید. تلاش آن‌ها، کنترل گروگان‌ها و همدلی است. برخی از گروگان‌ها به آن‌ها می‌پیوندند. در عملیات اختلاف‌های اساسی به وجود می‌آید اما در نهایت انسجام گروه حفظ می‌شود. به گروگان‌ها پیشنهاد آزادی یا همکاری در مقابل دریافت پول می‌شود. عده‌ای، آزادی را انتخاب می‌کنند. برخی، در شرایط مناسب بخشی از اسکناس‌های چاپ شده را در لباس پنهان می‌کنند و نگهبان را به شدت مجروح کرده و فرار می‌کنند. در نهایت بازرس از مقامش خلع شده و به پرفسور می‌پیوندد. اسلو و مسکو کشته می‌شوند. برلین، سایر اعضا را فراری می‌دهد و در مقابله با پلیس کشته می‌شود. سایر گروه موفق می‌شوند با پول‌ها فرار کنند.

#### ۴. پرونده شخصیت مجرمان

پرونده شخصیت و توجه به ویژگی‌های مجرم در تعیین مجازات، رهاورد مکتب اثبات‌گرایی و حائز اهمیت در مطالعات جرم‌شناسی است. بزهدکار، در جرم‌شناسی اثبات‌گرا بیمار قابل‌درمان و در جرم‌شناسی نئوکلاسیک غیربیمار و مختار در ارتکاب جرم است. می‌توان با بررسی شرایط خانوادگی، اجتماعی، جسمانی و روانی مجرم، میزان اصلاح‌پذیری یا حالت خطرناک را تعیین و اقدام‌های درمانی مقتضی را اتخاذ کرد. در بیشتر نظام‌های حقوق کیفری تشکیل پرونده شخصیت، از مرحله تحقیقات مقدماتی تا اجرای مجازات الزامی است. این موضوع به صراحت در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تأیید قرار گرفته است. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز این موضوع را مورد توجه قرار داده است. از آن جمله می‌توان به بندهای الف و ت ماده ۱۸ اشاره کرد که دادگاه مکلف شده است در صدور احکام مجازات تعزیری به «انگیزه متهم و حالت روانی او در زمان ارتکاب جرم» و

«سوابق متهم، وضعیت زندگی اجتماعی و خانوادگی او و تأثیر مجازات تعزیری بر او» توجه کند. هم‌چنین، در موضوع‌های دیگر از قبیل جهات تخفیف مجازات به موجب بند پ و ث ماده ۳۸، تعویق صدور حکم ماده ۴۰ و تعلیق اجرای مجازات ماده ۴۶ و مجازات‌های جایگزین حبس در ماده ۶۴ این قانون نیز توجه به پرونده شخصیت واجد اهمیت شناخته شده است.

به منظور بررسی جرم‌شناختی، پرونده شخصیت سارقان و بازرس از طریق بازبینی مکرر سکانس‌ها و دیالوگ‌ها تهیه و تکمیل شده است:

**برلین:** مردی در دهه پنجم زندگی/سوابق سرقت ۴۳۴ الماس در شانزلیزه، سرقت ون‌های امنیتی و بانکی،/ خودشیفته، خودبزرگ‌بین، ناتوان در همدلی با دیگران، ناتوان در تمیز خوب از بد، نیاز داره که دیگران و بخصوص غریبه‌ها را تحت تأثیر خودش قرار دهد./ مبتلا به بیماری نادر فلج عصبی و تجربه مرگ تا چند ماه دیگر/ شکست در زندگی زناشویی.

**پرفسور:** برادر برلین/فاقد سابقه کیفری/ اهل ورزش، آرمان‌گرا و غیر خشن، منزوی و غیراجتماعی، باهوش، منظم و دقیق/ کودکی و جوانی‌اش را در بیمارستان و با پرستارهای پیر و خواندن کتاب سپری کرده/ پدر در سرقت توسط پلیس کشته می‌شود/ هدف از سرقت بزرگداشت کشته شدن پدر.

**توکیو:** زنی در دهه چهارم زندگی/اخراج شدن از دبستان و ترک تحصیل/ رابطه سست با مادر/شرکت در ۱۵ سرقت تروتمیز،/ «تبدیل شدن از سارق به قاتل» به دلیل کشتن پلیسی که همدست محبوبش را می‌کشد و فرار کردن، «به جورایی منم مرده بودم و یا با مرده فرقی نداشتم. اگه دستگیرم می‌کردن سی سال حبس در انتظارم بود...دوست ندارم در سلول زندان پیر بشم. ترجیح میدم فرار کنم و اگر تنوم جسمم را فراری بدم ترجیح میدم حداقل بتونم روحم را فراری بدم».

**دنور:** مردی در دهه چهارم زندگی،/ پدر سارق بوده/ خرده‌فروش مواد مخدر است. ۸۰۰ قرص مخدر او را می‌زدند و پولی ندارد به رئیسش بدهد و برای تهیه این پول

وارد عملیات می‌شود/ ایراد ضرب و جرح، عصبی و جوشی/ مادرش معتاد به مواد مخدر بوده و مدتی را در زندان سپری کرده/ در مدرسه بچه‌ها را کتک می‌زده/ چندین بار اخراج از مدرسه و تغییر مدرسه.

**راکل موریو:** خانم بازرس و رئیس عملیات پلیس / شکایت سوءرفتار علیه همسر/ مطلقه / با دختر خردسال و مادر مبتلا به آلزایمر زندگی می‌کند / بزه دیده آزار همسر و طرح شکایت سوءرفتار علیه او / شوهر خیانت‌کار او با خواهرش رابطه پنهان داشته است.

**ریو:** مردی زیر ۲۵ سال / جوان‌ترین عضو گروه، برنامه‌نویس از شش سالگی، استاد وسایل الکترونیک و هشدار و در مورد موضوع‌های دیگر هیچ اطلاعاتی ندارد/ خجالتی / هکر سیستم امنیتی در ارتباط با سرقت عمارتی در ژنو و صدور حکم بازداشت توسط پلیس بین‌الملل.

**مسکو:** پدر دنور / در اوایل دهه ششم/ معدنچی سابق که به دلیل فقر و ترس از فضای بسته و تنگ و بیکاری، مرتکب شش سرقت از مغازه خز فروشی، ساعت‌فروشی و بانک کوچک می‌شود/ متخصص استفاده از دستگاه‌های صنعتی و جوش / اعتیاد همسر و ناکامی در ترک دادن و رها کردن او.

**نایروبی:** زنی در اوایل دهه چهارم/ دورگه/ بسیار خوش‌بین/ جعل اسکناس از ۱۳ سالگی/ رها کردن نوزادش به خاطر اعتیاد به مواد مخدر.

**هلسینکی و اسلو:** دوقلو و دوست وفادار در زمان جنگ، صلح، سرقت و زندان / دو سرباز کهنه‌کار صرب «خفن‌ترین نقشه‌ها هم به سرباز نیاز داره»، «شاید فکر هم می‌کنن ولی ما که هیچ‌وقت نفهمیدیم».

پس از بررسی پرونده شخصیت سارقان، به تقسیم‌بندی مجرمان به اتفاقی و خطرناک پرداخته می‌شود. مجرمان اتفاقی، مطیع قانون و کم‌خطر بوده و متأثر از شرایط تصادفی یا احساساتی مرتکب جرم شده و تکرار جرم نخواهد داشت (Wooddruff, 1922:106). آن‌ها، بیشترین آمار جمعیت کیفری را تشکیل می‌دهند. پژوهشی در فیلادلفیا، تنها شش

درصد از مجرمان را خطرناک اعلام کرده است (Siegel, 2012:61). بر اساس ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ شمسی، مجرمی که با توجه به سوابق، جرائم و شیوه ارتکاب جرم و ویژگی‌های روحی و اخلاقی احتمال ارتکاب جرم توسط او در آینده باشد، خطرناک است. می‌توان مجرمان خطرناک را به دسته بزهکاران مکرر، خشن، جنسی و دارای اختلال‌های روانی تقسیم کرد (Ghasemi Moghadam, 2008:207). سارق سابقه‌دار در لایحه «نظارت بر مجرمان سابقه‌دار» نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۱ شمسی، مجرمی است که حداقل دو سابقه محکومیت کیفری داشته باشد. به موجب ماده ۴۸ مکرر مصوب سال ۱۳۸۷ الحاقی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مجرم مکرر کسی است که به دلیل ارتکاب جرم عمدی حداقل دو سابقه محکومیت کیفری مؤثر داشته باشد. با توجه به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم سرقت مسلحانه یا توأم با آزار در زمره جرائم مهم قرار دارد. به موجب ماده ۳۲ قانون مجازات اسپانیا مصوب ۱۹۹۵ جرائم بر اساس ماهیت و مدت مجازات به جرائم شدید، نیمه‌شدید و خلاف تقسیم می‌شوند. در ماده ۱۳ قانون نامبرده جرائمی که مجازات شدید از جمله مجازات حبس بیش از ۵ سال و حبس ابد دارند، جرائم شدید نامیده می‌شوند (Official Gazette, 1995). علاوه بر معیارهای غیرصریح قانونی، برای تعیین خطرناکی مجرم، به مؤلفه استعداد جنایی و توانایی سازگاری با ارزش‌های اجتماعی توجه می‌شود. جرم‌شناسی، با استفاده از دو روش بالینی و آماری به سنجش ریسک مجرم و تفکیک مجرمان کم‌خطر از مجرمان پرخطر می‌پردازد. با توجه به وجود احتمال خطا در این روش‌ها، عملی‌ترین معیار برای شناسایی میزان خطر مجرم رجوع به سابقه کیفری مجرم است (Shams Nateri & Mostafapur, 2017: 115).

با مطالعه پرونده شخصیت، سوابق کیفری و مقررات موجود بیشتر سارقان، مجرم خطرناک هستند. تفسیرگرایان برساخت‌گرا مانند ماکس وبر و پیتر وینچ، انسان را عاقل، مختار، دارای انگیزه و هدف می‌دانند. رفتار، دو وجه عینی و ذهنی دارد؛ در معنای ذهنی مجرم، جرم عملی شایسته تفسیر می‌شود. جرم‌شناسی پست‌مدرن نیز فارغ از

عوامل زیستی، روانی و اجتماعی، جرم را خطر بر خاسته از تعاملات اجتماعی روزمره شهروندان می‌داند. بر اساس نظریه شناختی آلبرت ایس، ابتدا رخداد واقع می‌شود. سپس، تفسیر شده و بر اساس احساس و تصمیم به وجود آمده اتخاذ رفتار می‌شود. مرحله پایانی متأثر از طرح‌واره‌ها یا الگوهای فکری اثرگذار بر چگونگی ادراک و تفسیر رخدادهای است (Yan et al, 2010:218,138). به عبارتی، مجموعه‌ای از اوضاع و احوال بیرونی بر فرد اثر می‌گذارد و بر اساس چگونگی درک آن اوضاع و احوال و تفسیر ذهنی، جرم واقع می‌شود (Gassin, 1995:189). تجارب، عواطف، اهداف و انگیزه‌ها بر تفسیر ذهنی اثرگذار هستند. گروهان‌ها، در مقابل پیشنهاد ادامه همکاری و چاپ اسکناس برای خود یا آزاد شدن انتخاب‌های یکسان ندارند. گروهی آزادی را ترجیح می‌دهند. گروهی تبدیل به بزهکار اتفاقی می‌شوند. آن‌ها، پول را ترجیح داده و به همکاری ادامه می‌دهند. برخی، اسکناس‌های چاپ‌شده سارقان را می‌ربایند و ضربه‌ای کشنده به سر اسلو وارد کرده و فرار می‌کنند.

## ۶. تحلیل بر مبنای نظریه‌های جرم‌شناختی

نظریه‌های جرم‌شناسی، مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و پارادایم‌های گوناگون است که به طرح پرسش‌هایی چون چیستی جرم و فرآیند و عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم پرداخته و با کاربری مفاهیم ویژه به ارائه چارچوب تحلیلی نظری می‌پردازد. نظریه‌ها، بیشتر متأثر از سه دیدگاه سیاسی رادیکال، لیبرال و محافظه‌کار و زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی نظریه‌پرداز است.

جهان به تصویر کشیده شده در سریال، بر عملکرد دولت سرمایه‌داری اسپانیا در جهت منافع قدرتمندان و عدم توجه به نیازهای فرودستان از جمله فقرا و زنان و نقش جرم‌زای آن تأکید دارد. آثار جرائم خرد فرودستان، ویرانگر و گسترده‌تر از جرائم کلان یقه‌سفیدها نشان داده می‌شود. تحلیل این جهان، بیشتر مستلزم کاربری نظریات متأثر از دیدگاه‌های انتقادی و رادیکال است:



### ۱-۶. جرم‌شناسی روایت پژوه

در جرم‌شناسی روایت پژوه، داستان و روایت جرم مورد توجه قرار می‌گیرد. جرم‌انگاری، عدالت کیفری و مجازات روایتی هستند که توسط روایات دیگری روایت می‌شوند. توجه به آسیب و جرم و تأکید بر مشارکت جمعی در الگوهای آسیب، این نظریه را زیرشاخه جرم‌شناسی انتقادی قرار می‌دهد. نقطه کانونی، بررسی روایات و اثرگذاری آن‌ها در ایجاد انگیزه و مشروعیت‌سازی بزهکاری، الگوهای جرم، چگونگی خلق، زمان و دلیل روایت و در مقابل پرهیز از آزار و ایراد صدمه و جرم و مقاومت و ایستادگی در برابر آن است. داستان‌ها و روایات، قادر به ساخت و تغییر اجتماع هستند. پیش‌فرض‌های موجود درباره چیستی، چگونگی آغاز و پایان داستان حتی بر داستان‌های مکتوب یا برگرفته از رسانه‌ها نیز اثر می‌گذارد. داستان، آثار مثبت و منفی دارد. از احساس ستم‌دیدگی می‌کاهد و مضامین فشار اجتماعی را به نیروی فشارهای اجتماعی تبدیل می‌کند. جرم، برچسب‌زنی و پاسخ‌های عدالت کیفری، ناشی از «روابط قدرت» و بازتاب نابرابری‌های اجتماعی و داستان سلطه است. تعداد کمی از داستان‌ها حاوی روایت اقتدارگرا و هژمونیک و مابقی، روایات مقاومت‌کننده در مقابل ابرروایت هستند. داستان، از هست‌ها و نیست‌ها می‌گوید و روایت پژوه را به سوی صدهای شنیده و ناشنیده در متن هدایت می‌کند. او، نقادانه داستان‌ها را تجزیه و تحلیل و بازسازی می‌کند تا مقابل سلطه تاب آورد و عدالت اجتماعی را رواج دهد (Lois & Sandberg, 2019:1-12).

در داستان مجموعه، هویت راوی برساخته و احساسات و ایده‌های ناسازگار هم‌جوار شده‌اند. توکیو، راوی روایت گذشته‌نگر و آگاه از واکنش‌ها و افکار شخصیت‌هاست. او، داستان چگونگی شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه، عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم، فرایند مجرمیت و نقش دولت و نظام عدالت کیفری را به تصویر می‌کشد. برلین، مسن‌ترین فرد گروه، فرمانده عملیات است. بیشتر فعالیت‌ها توسط زنان انجام می‌شود. به دلیل سرپیچی برلین از دستورها و پی بردن به بیماری فلج پیش‌رونده

و ایجاد اختلاف، نایروبی فرمانده عملیات شده و فریاد می‌زند: «شروع دوره مدرسالاری». گفتمان فمینیستی به حاشیه رانده شده بر گفتمان هژمونیک مردسالارانه غلبه می‌یابد و به وسیله ارتباط، شکل دادن به هویت و معنابخشی بر جهان داستان اثر می‌گذارد، مانند روایت: «برخی افراد از زندگی محافظت می‌کنند و برخی دیگر علیه زندگی می‌جنگند». در پژوهش میسون در سال ۲۰۰۲ که افراد بسیاری را تهییج و ترغیب کرد ناجی حیات شوند و با اعمال خشونت‌بار به کلینیک‌های سقط‌جنین حمله کنند (Lois & Sandberg, 2019:3).

در چندین سکانس، برخی از جرائم مشروع و برخی نامشروع و غیراخلاقی اعلام می‌شوند. توکیو: «از سارق تبدیل شدم به قاتل» و مسکو: «ما سارقیم نه قاتل» و حتی از شدت ناراحتی دچار حمله شدید تنفسی می‌شود. مسکو: «فکر می‌کنی افتخار می‌کنم؟ ۱۲ سال از زندگیم را رفتم زندان و اوادم بیرون. چون آدم باهوشی نیستم. مغز این عملیات دیگر نیست». اعلام شرمساری مسکو به خاطر کم‌هوشی است و نه ارتکاب جرم سرقت. توکیو: «اگه از ایجا زنده بیرون برم دیگه هیچ‌وقت دست به تفنگ نمی‌زنم». در این روایات، قتل نامشروع و غیراخلاقی و سرقت، عادی و موجه نمایانده می‌شود. برلین: «به اخلاق و شرف پای بندم. قاچاق انسان و آدم‌فروشی نمی‌کنم نسبت به همکارم. حفظ شرافتم مسئله اخلاقیه». در این روایت، قاچاق انسان و آدم‌فروشی غیراخلاقی و سرقت عادی و موجه است.

نمایش روایات تصویری حوادث، بر سیاست‌گذاری و دغدغه‌های عمومی اثر می‌گذارد. پلیس و سارقان هریک روایت خود را از حادثه دارند. پلیس، اقدام سارقان را برهم‌زننده امنیت ملی و مقابله با آن‌ها را ایثار و حمایت از منافع عمومی معرفی می‌کند. سارقان، عملیات را مبارزه با بی‌عدالتی و گرفتن حق افراد ضعیف می‌دانند. نهادهای اجرایی عدالت کیفری از جمله پلیس، با مشاهده یا استماع اظهارات شاهد و بزه‌دیده به گردآوری و تحلیل داستان جرم می‌پردازد و دادگاه نیز بر آن می‌افزاید (Maruna, 2020:2). فرد مجرم نیز پس از آزادی با برچسب «زندانی سابق»، داستان خود را روایت می‌کند.

هدف رئیس سازمان اطلاعات و بازپرس، دستگیری سارقان است. بازرس معتقد به قداست قانون، سرکوب سارقان را اجرای عدالت می‌داند اما به تدریج اعتقادش سست می‌شود. الگوهای روایتی در سریال شامل نابرابری‌های اجتماعی، فساد حکومت‌ها، تبعیض جنسیتی و ناکارآمدی مجازات‌هاست. مذاکرات مکرر میان بازرس و پرفسور، چانه‌زنی میان روایت اقتدارگرا و خرده‌روایت حکومت‌شوندگان است. گفتمان ممنوعه تلاش می‌کند با به چالش کشیدن گفتمان هژمونیک، شنیده شود. آن‌ها، با فراخواندن خبرنگار شبکه تلویزیونی و نشان دادن اجساد دو نفر از اعضای کشته‌شده به وسیله پلیس و گروگان‌ها و نمایش اندوهشان، ستم‌دگی خویش را فریاد می‌زنند.

گفتمان اقتدارگرا و کلان‌روایت نابرابری افراد جامعه، در دیالوگ رئیس اداره امنیت با بازرس درباره حضور دختر سفیر انگلستان در میان گروگان‌ها دیده می‌شود: «اون بالا یه آدم با اولویت بالا حضور داره». پرفسور پیشنهاد می‌دهد در مقابل دریافت کمک پزشکی، هشت گروگان را آزاد کنند؛ اما پلیس جان دختر سفیر را با ارزش‌تر از جان هشت گروگان دیگر می‌داند و فقط نجات جان او را می‌خواهد. گفتمان حمایت از امنیت و منافع ملی، تنها قدرتمندان را شهروند با اولویت و شایسته حمایت می‌داند. پاسخ پرفسور: «باور نمی‌کردم جان هشت شهروند را کم‌ارزش‌تر از یک نفر بدانید». در سکansı دیگر در اعتراض به دستور غیرقانونی رئیس اداره امنیت به حمله به ساختمان و کشتار، او می‌گوید تنها قانون، بی‌قانونی است. قانون توسط حکومتگران و برای کنترل حکومت‌شوندگان وضع می‌شود. واضع قانون، حکومت‌کنندگان و افرادی ذی‌نفوذ در حاکمیت الزامی به رعایت قانون و پایبندی ندارد.

معنای حقیقی فیلم و مفاهیم عمیق پنهان در داستان بااهمیت است. زیرمتن‌ها، ابرهدف را در لایه‌های زیرین پنهان کرده و به وسیله استعاره‌های بینایی، بویایی، چشایی، لامسه و شنوایی ظهور می‌یابند (Siger, 2016:555,562). گرانیگاه روایت، استعاره است. راوی، پرفسور را «فرشته نجات» می‌نامد. ترانه پارتیزانی مشهور «بلا چاو»، استعاره صوتی و نماد آزادی و مقاومت در مقابل حکومت فاشیست اسپانیاست.

با افزایش اقدامات سرکوب‌گر و قهرآمیز پلیس برای دستگیری سارقان، عوامل انقلابی قدرتمند و آشکار شده و ترانه بلاچاو همسرایی و پخش می‌شود. ساخت دورنای اوربگامی توسط پرفسور، استعاره تصویری خوش‌اقبالی و نزدیک شدن به پیروزی بدون خونریزی است. لباس سرهمی گروگان‌گیرها و گروگان‌ها، استعاره تصویری و نماد بردگی انسان‌ها در نظام سرمایه‌داری و رنگ سرخ آن نماد عشق، مقاومت و آزادی است. ماسک سالوادور دالی، نقاش برجسته اسپانیایی، نماد ضدسرمایه‌داری و عدم پذیرش طبقه محروم و به حاشیه رانده‌شده اسپانیاست. استعاره‌های موجود بیانگر مبارزه با نابرابری، بیکاری و ماهیت سرکوبگر حکومت‌هاست. راوی، پرفسور را فرشته نجات می‌نامد. بستن موهای خانم بازرس هنگام مذاکره تلفنی با پرفسور، استعاره بر قائل نبودن به تبعیض جنسیتی و اعتقاد به برابری زن و مرد است.

## ۲-۶. جرم‌شناسی فرهنگی

این نظریه به بررسی زندگی زیسته، عواطف و انگیزه‌های مجرم در فرایند ارتکاب جرم می‌پردازد. رفتار مجرمانه متشکل از تعاریف، زمینه‌ها و گفتمان‌های فرهنگی متعدد است (Najafi Abrandabadi, 2013-2012: 12). جرم‌شناسی فرهنگی، از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی و در پیوند با روایت‌پژوهی است و به بررسی عوامل درونی، سیر زندگی و فرایند تبدیل شدن به شهروند مجرم می‌پردازد وجود تجربه به حاشیه راندگی و حس تحقیر ناشی از آن در کنار بی‌عدالتی و آرزوهای تحقق‌نیافته، می‌تواند ترغیبگر ارتکاب جرم شود (Danesh nari & Hosseini, 2020:83). بزهکاران، چگونگی ارتکاب جرم و ضروریات سازمان‌دهی اعمال مجرمانه را روایت و با انتقال نقاط مشترک، «فرهنگ جرم» را ایجاد می‌کنند (Lois & Sandberg, 2019:4) فیلم جنایی، فرم فضایی روایت‌گر فرهنگ جرم است (Menel, 2014:94) و در تعامل میان جرم و مجازات به خلق معنا و بازنمایی می‌پردازد. جرم، برساخته نظام‌های بازنمایی و نماد ایستادگی در مقابل هژمونی نظام سرمایه‌داری رواج‌دهنده مصرف‌گرایی و فردگرایی است (Ferrel, 1999:14). مجرم، می‌کوشد با نمایش

کارناوال جرم در خیابان‌های شهر کنترل سرنوشت خویش را به دست آورد (Farajjha, 2014:1,6). بازنمایی جنسیت در رسانه‌ها، نیز مورد توجه جرم‌شناسی فرهنگی است. این بازنمایی در قالب مضامین فهم و درک می‌شود و برساخته فرهنگ و قدرت اجتماعی حاکم بر روابط جنسیتی است (Danesh nari & Hosseini, 2020:43). نابرابری‌های عدالت کیفری، گرایش به مجازات‌های تحقیرآمیز، نابرابری‌های قومی، جنسیتی و طبقاتی منجر به بازتولید نابرابری‌ها و ناامیدی شهروندان می‌شود.

جرم‌شناسی فرهنگی به بررسی رابطه میان جرم، فعالیت و مقاومت سیاسی در جامعه سرمایه‌داری می‌پردازد (Ferrel, 1999:395) و با رویکرد کیفیت‌گرا، رابطه متقابل فرهنگ و جرم را بررسی می‌کند. رویکرد جرم به مثابه فرهنگ، به عواملی مانند سبک زندگی، خرده‌فرهنگ، مصرف فرهنگی و کنش متقابل توجه دارد و رویکرد فرهنگ به مثابه جرم، به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر ایجاد هراس اخلاقی جرم، عوام‌گرایی کیفری، مجازات‌های شدید و اثر رسانه‌ها بر ارتکاب جرم می‌پردازد (Aghaei, 2018:197). این نظریه متأثر از تفکرات مارکسیستی، رسانه‌ها را یاری‌گر برساخت اقتدار طبقه قدرتمندان و کارفرمایان اخلاق می‌داند (Aghaei, 2017:7).

مباحث جرم‌شناسی فرهنگی در سکانس‌های متعددی از فیلم به نمایش درمی‌آید. رسانه‌های و پلیس تلاش می‌کنند تا بر افکار عمومی اثرگذاری کرده و مرز میان خودی و غیرخودی‌ها را پررنگ جلوه دهند. با ارتکاب جرم رسانه‌ها، پلیس و کارگزاران اخلاقی موضوع را به صورت مسئله اجتماعی برساخته و با الصاق برچسب غیرخودی و عامل تهدید و ناامنی اجتماعی بر مجرم، هراس اخلاقی ایجاد می‌کنند. رسانه، متن تعیین‌کننده منشأ تهدیدها و نوع عکس‌العمل اجتماعی و رسمی در مقابل آن‌ها است (Allahverdi & Farajjha, 2014: 3,6). به موجب نظریه «حرکت ماریپچی-سکوت»، هرچه بر انباشتگی، حضور همگانی و همه‌جانبه رسانه‌ها افزوده شود، میزان اثرگذاری بر افکار عمومی بیشتر خواهد شد (Dehaqani et al, 2019:75). تیتیر روزنامه‌ها درباره حادثه گروگان‌گیری: «جلب توجه جهانی به سرقت عجیب و غریب». بازرس موریو به وسیله

رسانه‌ها سارقان را خطرناک، قاچاقچی انسان و آدم‌فروش معرفی می‌کند. کارگزاران عدالت کیفری می‌کوشند هراس اخلاقی ایجاد کنند و با عبارات منافع عمومی و امنیت ملی، گروگان‌گیرها را افراد غیرخودی و تهدیدکننده امنیت عمومی جلوه دهند. در جرم‌شناسی غیرخودی، بزهکار خطرناک و عضو گروه اقلیت است و با تدابیری چون زندان طولانی مدت، ناتوان‌سازی می‌شود (Delmas Marti, 2008:745). رسانه‌ها، با بازنمایی عوام‌پسندانه و فزاینده رخداد‌های جنایی، القاگر حس ناامنی عمومی و هراس می‌شوند. سیاستمداران نیز به نام تأمین امنیت، مجرم مخل امنیت را به کیفر شدید محکوم می‌کنند و اذهان عمومی از توجه به عوامل زمینه‌ساز جرم دور می‌شود. گروگان‌گیرها، تمام گروگان‌ها را آزاد می‌کنند اما رئیس اداره امنیت، پروتکل حمله را قانون بی‌قانونی می‌داند و دستور ورود و کشتن همه سارقان را صادر می‌کند. آن‌ها، فاقد حقوق شهروندی و حق حیات هستند. دولت مجاز است در جنگ با بزهکاری که عالماً و عامداً مرتکب جرم می‌شود از هر وسیله‌ای استفاده کند (Sadr Tohid Khane, 2009:482).

تجارب انسان، می‌تواند به فرهنگ و خرده‌فرهنگ بدل شود. در چندین سکانس هرگونه اقدام علیه دولت، مقابله با سرمایه‌داری اعلام می‌شود. پرفسور: «پدرم بچه مریض داشت...مجبور بود برای نجات جانش پول جور کنه. هیچ‌کس کمکش نکرد. به فکر دزدی افتاد. پلیس‌ها دوختنش به در بانک. انصاف بود؟». توکیو: «همه زندگی پرفسور حول مقاومت بود... پدربزرگش همراه پارتیزان‌ها با فاشیست‌ها جنگیده است. پرفسور نیز تصرف ضرابخانه مرکزی اسپانیا و چاپ اسکناس را مبارزه با حکومت فاشیست و نظام سرمایه‌داری و ادامه‌دهنده راه پدربزرگ می‌دانست.

جرم‌شناسی فرهنگی، به بررسی کیفی هیجان، ترس، شرمساری و لذت‌های ارتکاب جرم می‌پردازد. کسب لذت، هیجان‌طلبی یا نیاز به هیجان و تجربه‌های متنوع و جدید، رابطه معناداری با ارتکاب جرم دارد (Zade Bagheri et al, 2020:124). یکی از موضوع‌های مهم در جرم‌شناسی توجه به سایق‌های درونی و انگیزه بزهکار است. برخی دیالوگ‌های فیلم از جمله: «اگه این دفعه عکسم می‌رفت توی روزنامه‌ها حداقل

به خاطر بزرگ‌ترین سرقت تاریخ می‌شد» و «ازم خواستن سیستم امنیتی را هک کنم... خیلی هیجان‌انگیزتر از کار کردن در آی تی شرکت هست... مثل یه بازی بود... بهش فکر نکرده بودم... می‌تونستم خرجمو درآرم. زندگی و دوست‌های عادی داشته باشم» و «کی تا حالا چنین تخته‌ای داشتی؟ در زندان که چنین تخته‌ای نداشتی. ما بهترینیم» حکایت از اثرگذاری عواملی چون کسب لذت، احساس غرور و هیجان‌طلبی بر ایجاد انگیزه ارتکاب جرم در شخصیت توکیو و دنور دارد.

### ۳-۶. برچسب‌زنی و جرم‌شناسی تضاد

جرم‌شناسی اثبات‌گرا با تأکید بر جبرگرایی، بزهکاری را معلول علت‌های بیرونی و درونی مجرم می‌داند؛ اما نظریه‌های برچسب‌زنی، جرم را فرایندی اجتماعی و محصول تعامل کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی و قدرت بخشی صاحبان قدرت برچسب‌زنی می‌داند. با برچسب منفی، هویت بدنامی به فرد تحمیل شده و به آن پایبند می‌ماند (White & Haines, 2015:193). این رویکرد، متأثر از اندیشه‌های مارکس، جرم را

محصول و ذاتی نظام سرمایه‌داری می‌داند (Sadeghi & Parvin, 2011:223)

جامعه متشکل از گروه‌های رقیب است نه یک کل همگن و یکپارچه. برچسب‌ها، خودی/غیرخودی و بزهکار/ناکرده بزه را از یکدیگر جدا می‌کند. پرفسور به بازپرس می‌گوید: «بهتون یاد دادن آدم‌ها یا خوبن و یا بد یا سیاه یا سفید. مگه ما چکار می‌کنیم؟ سال ۲۰۱۱ بانک مرکزی اروپا از هیچی ۱۷۱ میلیارد یورو چاپ کرد مثل کار ما. سال ۲۰۱۳، ۱۴۵ میلیاردش ناپدید شد... رفت توی جیب پولدارترین آدم‌ها. اسم دزدی بانک مرکزی اروپا شد تزریق نقدینگی! منم دارم به آدم‌های بیچاره نقدینگی تزریق می‌کنم». پرفسور، مدرنیسم را که با تقابل دوتایی‌ها موضوع‌ها را می‌شناساند، به چالش می‌کشد. جهان پسامدرن فاقد این تقابل‌هاست. انسان‌ها خاکستری هستند. بخش کمی از زندگی مجرم، ارتکاب جرم و مابقی با زندگی ناکرده بزه تفاوت ندارد. دورکیم اثبات‌گرا، رفتار انسان را معلول واقعیات اجتماعی عینی می‌داند. جامعه جرم را می‌آفریند و مجرم آن را به

نمایش می‌گذارد (Voled, 2013:49). از منظر جرم‌شناسی پست‌مدرن، جرائم سرکوبگر موجب می‌شود گروهی از افراد جامعه به دلایلی از جمله تبعیض نژادی، جنسیتی، قومی، مذهبی، فرهنگی و فقر از برخی حقوق به محروم شوند (Milovanovic, 2007: 83). زبان و گفتمان دو عامل اثرگذار بر ارتکاب جرم است. زمانی که زبان یا روایتی، ممنوع و نامشروع شود یا قطع شده و به حاشیه رانده شود آنگاه مجال عمل فرا می‌رسد. راهکار مقابله با ارتکاب جرم و پیشگیری از آن، این است که گفتمان‌های تمام اقشار و طبقات جامعه، اقلیت‌ها و گروه‌های فرهنگی گوناگون در فرایند تقنین مشارکت داده شوند.

نقشه جایگزین پرفسور در صورت شکست نقشه اول، فرستادن بالن پر از پول بر فراز شهر و پول باران کردن شلوغ‌ترین منطقه شهر است که موجب بسته شدن خیابان‌ها، هرج‌ومرج و ایجاد فرصت فرار می‌شود. شهروندان قانون‌مدار به منشأ غیرقانونی پول‌های بادآورده اهمیت نمی‌دهند. مهم، عدم امکان شناسایی و دستگیری توسط پلیس است. انباشت سرمایه در دست اقلیت، موجب افزایش بیکاری، فقر و زندگی عاری از کرامت انسانی اکثریت و زمینه‌ساز حرکت به سوی ارتکاب جرم است (Bokharai, 2012:67). قدرت، وسیله کنترل و جرم‌انگاری رفتار اکثریت ضعیف جامعه و قانون، حامی منافع اقلیت قدرتمند است.

#### ۴-۶. نظریه عمومی فشار

آگنیو، مناسبات مخرب اجتماعی را موجد خشم، ناکامی، زیان و سقوط در ورطه جرم می‌داند. از دیدگاه مسنر و روزنفلد غلبه ارزش‌هایی چون موفقیت، پیشرفت مالی و فردگرایی در جامعه آمریکایی مؤثر بر ایجاد زمینه‌های ارتکاب جرائم است (Jess Ladi, 2018:83). بزهکاری غیرذاتی (Najafi Abrand Abadi 2012: 91)، آسیب اجتماعی و محصول ساختار نابرابر اجتماعی است. دسترسی نابرابر به ابزار رسیدن به اهداف اجتماعی القاشده و تلاش برای رفع موانع دسترسی (White & Haines, 2015: 137,142,143) و تحقق اهداف ارزشمند مثبت و وجود انگیزه‌های منفی مولد فشار



است. تلاش برای دستیابی به پول، منزلت اجتماعی و استقلال و شکاف میان دستاوردهای واقعی و مطلوب تولید فشار می‌کند (Alivardi Nia et al, 2007:90,91). برخی، فشار و خشم را کنترل می‌کنند. گروهی، انتقام می‌گیرند یا با مصرف مواد مخدر تعادل از دست‌رفته را می‌جویند (Seigel, 2001:25).

تجارب منفی دوران مدرسه همراه توکیوست. پلیس، محبوب و همدستش را می‌کشد. این حادثه منفی منجر به ایجاد خشم و انتقام‌جویی و نابودی انگیزه مثبت می‌شود. او مواجه با فشار ناشی از ارزش‌های نهادینه شد. کسب شهرت و پول، مصرف‌گرایی و فردگرایی است. پاسخ سارقان به سؤال: «آگه شرایط خوب پیش بره با این همه پول چکار می‌کنی؟»: دنور: «مازراتی آبی، باشگاه هنرهای رزمی و یه نوشیدنی فروشی سه طبقه با بلندگوهای خفن می‌خرم. سه میلیون واسه مسکو که برای خودش ریه بخره. شاید بعضی‌ها ریه بفروش».

توکیو: «جزیره می‌خرم. این بهترین شغله با ۲ میلیون و چهارصد هزار یورو دستمزد». نایروبی: «به یک سری مسائل رسیدگی می‌کنم. هواپیما می‌خرم و پرواز می‌کنم و به نگهبان برج مراقبت پز می‌دهم. میرم به تیاترهای معرکه برادوی منهن... پول خودمونو تولید می‌کنیم». مسکو: «آلبوم ضبط می‌کنم. آهنگ معروف کوریدو می‌خونم و عکسم می‌زنم روی جلد آلبوم». برلین: «خرید کارخانه شراب‌سازی. برای هنرش». پرفسور: «وقتی سرقت به این بزرگی انجام می‌دیم باید رویاهامون هم بزرگ‌تر باشه».

## ۵-۶. نظریه خنثی‌سازی

دیوید ماتزا و گرشام ساکس، با طرح «نظریه خنثی‌سازی» معتقد به پابندی افراد بزهکار و ناکرده‌بزه به ارزش‌های اجتماعی هستند. بزهکار، احساس گناه ناشی از نقض ارزش‌ها را با روش خنثی‌سازی دفع و به جرم مشروعیت می‌دهد. این نظریه خردمحور، توجه اندکی به روایت دارد. بزهکار، سوژه‌ای حسابگر، فعال و انتخاب‌گر است (Najafi Abrand Abadi, 2008: 325-330). خنثی‌سازی، بیشتر به‌وسیله انکار

مسئولیت، انکار ایراد صدمه و وجود بزه‌دیده، مجرم دانستن نهادهای عدالت کیفری و حکومتگر و اعلام پایبندی به اهداف متعالی تحقق می‌یابد. بزهکار متأثر از بزه‌دیده، شرایط خانوادگی، دوستان و اجتماع و فاقد اختیار و مسئولیت قلمداد می‌شود. سپس، وجود ضرر یا بزه‌دیده حقیقی را انکار کرده و جرم را احقاق حق جلوه می‌دهد. فساد و ارتکاب جرم توسط نهادهای عدالت کیفری و حکومتگر ثابت می‌شود. سرانجام هدف والای ارتکاب جرم، پاسخگویی به نیاز دوستان، اعضای خانواده و نیازمندان است (Najafi Abrand Abadi, 2012:77). نظریه خنثی‌سازی در مورد بزهکاران به عادت یا دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی کاربردی ندارد، زیرا به ارزش‌ها پایبند نبوده و از ارتکاب جرم دچار عذاب وجدان نمی‌شوند و ارتکاب جرم، سبک زندگی‌شان است. سرقت، بر اساس معنای ذهنی سارق به عادت عمل اخلاقی و انتقام‌گیری از مالباخته‌ای است که به ناحق کسب ثروت کرده است (Sediq Sarvestani, 2006:37). پرفسور، پس از تجهیز گروه به سلاح‌های جنگی، مراحل خنثی‌سازی را اجرا می‌کند: «کمک می‌کنم این آدم‌های بیچاره از بدبختی دربیان... پول کسی را سرقت نمی‌کنیم... آدم‌های خوبی هستیم... نباید خون از دماغ کسی ریخته بشه». مسکو نیز سرقت را تحقق هدف والای رسیدن به خوشبختی می‌داند: «به دنیا نیومدیم که همیشه بدبخت باشیم».

## ۶-۶. پیشگیری رشدمدار

تمرکز نظریه «پیشگیری رشدمدار» بر عوامل خطر، موانع زیستی - اجتماعی در مراحل اولیه زندگی و دوران رشد کودک و نقش آن در مختل کردن فرایند جامعه‌پذیری است. عواملی مانند فقر خانواده و اعتیاد والدین به مواد مخدر، می‌تواند بر رفتار خشونت‌آمیز و ارتکاب جرم در بزرگسالی تاثیر گذارد. برای پیشگیری از جرائم احتمالی، اتخاذ تدابیر درمانی و ترمیمی (Kari Yu, 2001:267) از جمله اقدام‌های آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای این کودکان ضروری است. بر اساس ماده ۱۳۶ آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، آموزش در جهت افزایش سطح

معلومات، تقویت فکر و پرورش استعدادهای نهفته محکومان به حبس صورت می‌گیرد. نتایج پژوهش مردم‌نگاری تری ویلیامز و ویلیام کرن بلام درباره زندگی ۹۰۰ جوان آمریکایی ساکن مناطق فقیرنشین بر اهمیت اقدام‌های ترمیمی و اصلاحی تأکید دارد. فقر موجب گزینش‌های نادرست و گزینش‌های نادرست موجب استمرار فقر است (Jess Ladi, 20018:39).

زن و مرد با ایجاد علقه زوجیت و تشکیل خانواده (Langrudi, 2007:76) دارای نقش مهمی در تربیت و جامعه‌پذیری کودک می‌شوند. توکیو تک والد است و در دوران کودکی از مدرسه اخراج شده است. دنور، کودک در معرض خطر بوده است. «مادرم می‌خواست منو سقط کنه. ولی باید قبلش موادی را که داشت می‌فروخت. پلیس در خرابه پیدا و دستگیرش کرد. من بین زندانی‌ها، مواد و پلیس‌ها به دنیا اومدم». پدر، معدنچی بوده اما به دلیل ترس از فضای بسته، فقر و بیکاری به سرقت روی می‌آورد. اقدام‌های پدر برای ترک اعتیاد مادر حاصلی نداشته و او را رها می‌کند. دنور، در دوران تحمل محکومیت حبس پدر، فاقد سرپرست است. در مدرسه مشکلات زیاد، رفتار خشونت‌آمیز و تهاجمی دارد. تهاجم از دیدگاه حقوق کیفری، ترس از اعمال قریب‌الوقوع خشونت جسمانی غیرقانونی است. فریود و لورنزو، خشونت را نیروی غریزی پنهان می‌دانند. با گذشت زمان، انباشت می‌شود. در صورت تخلیه به‌وسیله ورزش و تمرینات جسمانی، نتایج مثبتی دارد. در غیر این صورت، از طریق رفتارهای خشونت‌آمیز و تهاجمی تخلیه خواهد شد. گروهی، خشونت را اکتسابی و آموختنی می‌دانند. جرم‌شناسان، خشونت را به دو دسته مستقیم - غیرمستقیم و احساسی - ابزاری تقسیم می‌کنند. خشونت مستقیم، جسمانی و عموماً آشکار و خشونت غیرمستقیم، گفتاری - روانی و عموماً پنهان است. خشونت مستقیم در مقابل خشونت غیرمستقیم نرخ ارتکاب بالاتری دارد (Bordel, 2015:37) خشونت احساسی، در پاسخ به احساس ناامیدی و خشم و خشونت ابزاری، برای ارتکاب جرائمی از جمله سرقت مسلحانه به

عنف اعمال می‌شود. برخی جرم‌شناسان، احتمال ارتکاب جرائم خشونت‌آمیز به وسیله مردان جوان قشر فقیر را بیشتر می‌دانند (Seigel, 2013:334).  
 نظریه کنترل اجتماعی و خرده‌فرهنگ بزهکاری نیز بر اثرگذاری دوران کودکی و خانواده در ارتکاب جرم تأکید دارند. هیرشی، همبستگی قوی میان کودک و خانواده را موجب جلب کودک به فعالیت‌های همسو با ارزش‌های جامعه و کاهش فرصت ارتکاب جرم و اعمال مغایر با آن می‌شود. افزایش میزان مؤلفه‌های تعهد، باور، درگیر بودن و دلبستگی موجب کاهش احتمال ارتکاب جرم و ضعف آن‌ها موجب افزایش آن می‌شود. خرده‌فرهنگ مجرمانه در خانواده تأثیر منفی بر جامعه‌پذیری دارد. نظریه‌های یادگیری اجتماعی، جرم را مانند سایر رفتارهای انسان قابل یادگیری می‌داند. ادوین ساترلند، هم‌جواری با محیط جرم‌زا را مؤثر بر ارتکاب جرم می‌داند. دیدگاه‌های طبقات اجتماعی، میان فقر و ارتکاب جرم پیوند برقرار می‌سازند. افراد نیازمند برای پاسخگویی به نیازهای اولیه و ضروریات زندگی ناچار به ارتکاب جرم می‌شوند. اثرگذاری عوامل فقر و پیوند سست خانوادگی بر ارتکاب جرم برخی از گروگان‌ها مشهود است.

#### ۶-۷. جرم‌شناسی فمینیستی

کاترین دیلی و مادل چسنی، «فمینیسم» را مجموعه‌ای از نظریه‌ها می‌دانند که به موضوع سرکوبی زنان و راهبردهای اعمال تغییرها می‌پردازد. جرم‌شناسی فمینیستی مبتنی بر جنسیت است. در جوامع مردسالار، جنسیت زنانه منشأ تبعیض علیه زنان است. ساختار سلسله مراتبی و گفتمان تفکری، منطق سیاسی و اجتماعی مردسالارانه دارد. زنان، در مقایسه با مردان در سلسله‌مراتب پایین‌تر و بهره‌مندی کمتر از امتیازها جاگذاری شده‌اند (Dekeseredy, 2013:62-64). فمینیست‌ها، حذف سلطه مردسالارانه را مستلزم افزایش میزان آگاهی جامعه و شناخت راه‌های رهایی از تسلط مردانه می‌دانند (Rahmani & Jafari, 2021:26).

اجرای قانون امری غالباً مردانه است. زنان، کمتر از ۱۵ درصد از نیروی پلیس آمریکا در سال ۲۰۱۰ را تشکیل داده‌اند (Brodeur, 2018:1). برخی همکاران مرد به آن‌ها احترام نمی‌گذارند. پلیس‌های زن، در جایگاه برابر با مردان نیستند. به آن‌ها آموزش داده می‌شود مراقب تعرض‌های جنسی باشند و حتی به همکاران مرد خویش اعتماد نکنند (Mahihausen, 2018: 6,8).

صحنه‌ها، مناسبات مردسالار را روایت می‌کنند. پرفسور به بازرس می‌گوید: «نمی‌تونم بپذیرم که شما زن آسیب‌دیده‌ای باشید». بازرس: «چون تفنگ دارم میگی؟ همیشه با کتک زدن شروع نمیشه. اول گفت عکس پورفایلتو بردار و عکس دخترمون را بزار. بعد گفت توی محیط کار لباس پوشیده بپوش و فکر کردم چون توی محیط مردونه کار می‌کنم میخواد ازم محافظت کنه... اولین سیلی، دومین و ... در نهایت جدا شدم. من اسلحه دارم ولی نمیدونم چطور از خودم محافظت کنم». یکی از موضوع‌های مورد بررسی در جرم‌شناسی انتقادی، خشونت بین فردی است. یافته‌های پژوهش جودی میلر با موضوع زن آزاری در سال ۲۰۰۸، بیانگر اثرگذاری فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه زن‌آزاری و تداوم آن ناشی از فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه اعلام می‌کند (Dekeseredy, 2013: 108). خانم بازرس به خاطر طرح شکایت از همسر سابقش که همکار اوست بارها توسط ریس اداره امنیت سرزنش می‌شود.

توکیو، به بازرس می‌گوید: «من و تو شبیه هم هستیم. پوشیدن دامن بین پلیس‌ها و سارق‌ها سخته چون تعداد ما کمه و باید همیشه فراموش کنیم که ما کی هستیم». دامن، پوششی عموماً زنانه است. توکیو و بازرس هر دو مجبور هستند در محیط فعالیت حرفه‌ای خویش مردانه رفتار کنند. پوشش مردانه داشته باشند تا از آسیب در امان و از امتیازها بهره‌مند شوند. گفتمان حاکم، بر سازنده و ویرانگر جنسیت است. از دیدگاه پسا فمینیست، جنسیت برخاسته از آموزش گفتمان حاکم درباره چگونگی به نمایش گذاشتن انتظارات است (Mahmoudi Bakhtiari & Ghanioon, 2017: 359). برلین، زن‌ها را اغواگر و ویرانگر معرفی می‌کند. بازرس در معامله اتهام به توکیو قول می‌دهد «در مقابل اطلاعات

خوب از قاضی حکم زندان کوتاه‌مدت را بخواهد تا زمان آزادی هنوز جوان باشد و بتواند زندگی تشکیل دهد». توکیو، نقش سنتی ازدواج زنان را تمسخر می‌کند. فرهنگ مردسالار، زنان متعلق به هر طبقه را قربانی می‌کند. دختر سفیر توسط پسر هم‌کلاسی‌اش مورد سوءاستفاده قرار گرفته و مجبور می‌شود عکس‌هایش را در فضای مجازی منتشر کند. آقای رئیس، پس از برقراری رابطه با مونیکا از ازدواج منصرف شده و او را مجبور به سقط جنین می‌کند.

زنان، یک چهارم تعداد سارقان در فیلم را تشکیل می‌دهند. وظایف و توانمندی‌هایشان مشابه مردان است. در جهان واقعی نیز تفاوت‌های بزهکاری زنان و مردان کاهش و نرخ بزهکاری زنان افزایش یافته است. اسپانیا، بالاترین میزان زندانیان زن در اروپا را دارد. در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۲۳/۸ درصد از کل آمار زندانیان زنان بوده‌اند. در سال ۲۰۱۴ این نرخ به ۶۵/۷ درصد افزایش یافته است. بالاترین نرخ جرائم زنان به ترتیب، مواد مخدر با ۳۷/۹ درصد، جرائم علیه اموال ۳۵/۵ درصد و مابقی قتل و ضرب و جرح بوده است. حدود ۷۰ درصد دارای فرزند بودند. همسران یا شرکای جنسی ۳۳ درصد از آن‌ها زندانی بودند. عوامل مؤثر در ارتکاب جرم توسط زنان عموماً فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به تفکیک عبارت‌اند از تک والد بودن، فقر آموزش رسمی یا حرفه‌ای، خشونت خانگی، اعتیاد به مواد مخدر و نرخ بالای بیکاری (Cerezo, 2016: 6,12,19).

### فرجام سخن

شخصی بنام پرفسور، هشت سارق را برای چاپ اسکناس و سرقت از ضرابخانه سلطنتی اسپانیا آموزش می‌دهد. نام‌گذاری سارق‌ها با اسامی شهرهای توکیو، مسکو، دنور، برلین، نایروبی، هلسینکی، اسلو و ریو انجام می‌شود و استعاره‌ای بر مشابهت میان شرایط حاکم بر جهان به تصویر کشیده شده در اسپانیا و سایر کشورهاست. مجرمان، قربانیان بی‌عدالتی حکومت‌ها هستند و در تقسیم‌بندی خوب/ بد مطلق، در دسته بد

مطلق قرار داده شده‌اند. هیچ‌یک از آن‌ها، چیزی برای از دست دادن ندارند. در خرده‌فرهنگ آن‌ها، سرقت عملی پسندیده و راه‌هایی و خوشبختی است. این شهروندان خاکستری، مجرمان خطرناک هستند و با سایر شهروندان دغدغه‌های مشترک مانند انسجام خانواده، تعهد به مراقبت از فرزندان و فراهم ساختن امکانات زندگی دارند. آن‌ها، عموماً به حق حیات انسان‌ها احترام می‌گذارند. مخالف با سقط‌جنین هستند. قتل، آدم‌فروشی و قاچاق انسان را غیراخلاقی می‌دانند. با توسل به فنون خنثی‌سازی، سرقت را موجه جلوه می‌دهند. آنچه آن‌ها را به قهرمان مردمی مبدل می‌کند، ایستادگی در مقابل دولت اسپانیا و اشغال ضرابخانه است. راوی، پرفسور را «فرشته نجات» توصیف کرده و راه برون‌رفت از مشکلات اجتماعی و اقتصادی را مقابله با سرمایه‌داری معرفی می‌کند.

تحلیل انتقادی گفتمان حاکم بر داستان، نمایانگر ساختار اجتماعی سازنده معنای زندگی در اسپانیا به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهای سرمایه‌داری است. در این تحلیل، عوامل پیدا و پنهان برگرفته‌شده از روابط سلطه هژمونیک قدرت بر رفتار شهروندان اثر می‌گذارد. ایدئولوژی مسلط بر جامعه، شیوه زندگی طبقه فرودست را تعیین می‌کند و با گزینش معدودی از داستان‌ها و ممنوعیت، نادیده گرفتن و به حاشیه راندن داستان‌های دیگر، جامعه را کنترل می‌کند و مقاومت و مبارزه با داستان‌های مسلط را گزیرناپذیر می‌کند. سارقان، به‌وسیله رسانه‌ها داستان ستم‌دیدگی افراد جامعه، نابرابری‌های اجتماعی، فساد حکومت‌ها و تبعیض جنسیتی را روایت می‌کنند. گفتمان ممنوعه و به حاشیه رانده‌شده فرودستان، گفتمان هژمونیک را به چالش می‌کشد.

در قرابت با جرم‌شناسی فرهنگی، ارتکاب سرقت و گروگان‌گیری فعالیت و مقاومت سیاسی در جامعه سرمایه‌داری نمایش داده می‌شود. نگاه غالب در داستان جبرگرایی اجتماعی است. مجرم، نقیصه جسمانی و روانی ندارد و متأثر از عوامل موقعیتی و خرده‌فرهنگ‌های جرم دست به ارتکاب جرم می‌زند. این دیدگاه در مورد بیشتر آن‌ها مقرون به صحت است. در مورد برلین که از ابتدا به‌عنوان رهبر عملیات

انتخاب شده بود برخی ناهنجاری‌های روانی و خودشیفتگی دیده می‌شود. از انگیزه‌های پرفسور و برلین در طراحی و عملیاتی سازی نقشه سرقت، بزرگداشت سال مرگ کشته شدن پدرشان و آرزوی تکرار سنت پدربزرگ است که دوشادوش پارتیزان‌ها با حکومت فاشیست اسپانیا جنگیده بوده و تداوم مبارزه است. در سکانس‌های مختلف و با استعاره‌های گوناگون دوگانگی نهادها و جامعه پررنگ می‌شود و مخاطب را به نگاه عمیق و به چالش کشیدن باورها و نگرش‌هایش به ابعاد گوناگون زندگی دعوت می‌کند. اعضای گروه، رابین هود گونه در مقابل حکومت اسپانیا قد علم می‌کنند. حکومت و سیاستمداران اسپانیا تنها به فکر منافع خود بوده و آن‌ها را به انزوا کشانده و مورد بی‌رحمی و غفلت قرار گرفته‌اند. محاصره کردن سارقان در ضرابخانه سلطنتی توسط پلیس، نمادی از گروگان بودن اکثریت حکومت شونداگان نزد دولت است. نمایش موفقیت آن‌ها در فرار و بردن پول‌هایی که خودشان چاپ کرده‌اند نویددهنده پیروزی مردم غیرخودی بر خودی‌های حکومت فاسد اسپانیا و همتایان آن‌هاست.

گفتمان هژمونیک، سعادت و ارزشمندی جامعه را مرهون فردگرایی و کسب ثروت و شهرت بی‌انتهای القا می‌کند. تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و احساس نیاز کاذب و ناتوانی در رسیدن به قله ارزش‌ها سارقان از جمله خرید یک جزیره، اتومبیل مازراتی، آلبوم موسیقی، هواپیمای شخصی موجب ایجاد فشار و حرکت به سمت ارتکاب جرم می‌شود.

همسو با دیدگاه‌های جرم‌شناسی، نقش کیفر به‌ویژه حبس در مقابله با جرم و پیشگیری به‌سخره گرفته می‌شود. مسکو دوازده سال از زندگی را در رفت و آمد به زندان گذرانده است. پاسخ آن‌ها به سؤال اگر گیر بیفتیم چه می‌شود: «می‌ریم زندان، شب عید بهمون میگو میدن و احتمالاً با برخی از زندانی‌ها دعوا و زدوخورد خواهیم داشت».

رویکردهای فمینیستی و پسامدرن، جنسیت زنانه در جوامع مردسالار را موجب محرومیت مضاعف از حقوق و حمایت‌های اجتماعی و قانونی می‌داند. رویکرد فیلم به جرم متأثر از جرم‌شناسی پست‌مدرن و انتقادی بر قدرت، گفتمان و ذهنیت، تأکید کرده و جرم را فاقد ویژگی ذاتی می‌داند. جرم واقعیت اجتماعی و روانی نیست و با



جرم‌انگاری توسط قانون‌گذار حیات می‌یابد. از نکات مورد توجه، مقابله با فرهنگ‌های سلطه و هژمونیک است. حقوق، زبان سیاست است و قوانین از جمله قوانین کیفری بازتاب‌دهنده ایدئولوژی سیاسی غالب در جامعه است. هدف غایی سیستم عدالت کیفری، حمایت و تداوم بخشی گفتمان سلطه حکومت‌گران است.

اقبال عمومی مخاطبان در بسیاری از کشورها از سریال و همذات‌پنداری با گروگان‌گیرها حکایت از وجود رنج، شادی، آمال و گفتمان‌های به حاشیه رانده شده مشترک یا مشابه دارد. زبان و گفتمان دو عامل اثرگذار بر ارتکاب جرم است. زمانی که زبان یا روایتی، ممنوع و نامشروع شود یا قطع شده و به حاشیه رانده شود آنگاه مجال عمل فرا می‌رسد.

مقابله با جرم و پیشگیری از آن مستلزم همکاری نهادهای متعدد مانند حکومت، فرهنگ و نظام قضایی است. زاویه گرفتن حکومت‌ها از مؤلفه‌های حکمرانی خوب از جمله شفافیت، قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، عدالت‌محوری و کارآمدی، موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم و در نتیجه کاهش مشروعیت می‌شود. نقش قوه مقننه در وضع قوانین عادلانه و بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی بدون تبعیض و مشارکت دادن گفتمان‌های تمام اقشار و طبقات جامعه و اقلیت‌ها و گروه‌های فرهنگی گوناگون در فرایند تقنین و جایگاه قوه قضاییه در گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی، امنیت، افزایش رفاه و کیفیت زندگی شهروندان در حکمرانی خوب، دارای اهمیت است. گسترش و تقویت سیاست جنایی مشارکتی در راستای پیشگیری از جرم و فراهم ساختن زمینه بیان آزاد انتقادات به نظام تقنینی و قضایی در راستای رفع ناکارآمدی و ضعف‌های موجود نیز گامی مهم به شمار می‌آید. همکاری نظام تقنینی با نهادهای آموزشی و استفاده از شیوه‌های جذاب آموزشی از جمله فیلم جهت پرورش شهروندان آگاه و دارای مهارت‌های زندگی و حل مسئله، توانمند در گفتگو و اشتغال در جهت از بین بردن زمینه‌های ارتکاب جرائم و تقویت پیشگیری از ارتکاب جرم اثرگذار خواهد بود.

هنر، آینه جامعه است و می‌تواند مخاطب را با واقعیت چشم در چشم کند. سکانسی از فیلم به موضوع فساد سیستماتیک صاحبان قدرت اشاره دارد. چاپ ۱۷۱ میلیارد دلار بدون پشتوانه مالی توسط بانک مرکزی اروپا و تصاحب ۱۴۵ میلیارد دلار آن توسط افراد ثروتمندترین طبقه جامعه و منزله‌سازی آن زیر نام تزریق نقدینگی! سارقان نیز مانند صاحبان قدرت به تزریق نقدینگی به فقرا اقدام می‌کنند.

سینما، کارکردی دوگانه دارد. می‌تواند بستر ایجاد عناصر جرم آفرین و انگیزه‌های جنایی باشد و در مقابله با جرائم و افزایش آگاهی کارگزاران عدالت کیفری و تقویت اقدامات پیشگیرانه نیز نقشی مهم ایفا کند. در نتیجه، همکاری فیلم‌نامه‌نویس با جرم‌شناس، روانشناس و متخصص علوم تربیتی ضروری به نظر می‌رسد. می‌توان با بهره‌مندی از قابلیت‌های خاص سینما در جامعه‌پذیری و همذات‌پنداری و بردن مخاطب به عالم درون فیلم، در جهت افزایش آگاهی مخاطبان نسبت به جرائم و آثار مخرب آن، آموزش ارزش‌های اجتماعی مانند شفقت، نوع‌دوستی و راست‌گویی با هدف افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه کاهش ارتکاب جرم فیلم‌نامه‌هایی نگاشت. آن‌گونه که در نظریه فشار ساختاری مرتن نیز اشاره شد، سینما می‌تواند با به نمایش گذاشتن زندگی مصرف‌گرایانه و کمبود راه‌های قانونی دستیابی به ثروت، افراد را به سمت راه‌های غیرقانونی سوق دهد. به نمایش درآوردن صحنه‌هایی مانند شیوه‌های ارتکاب جرم و استعمال مواد مخدر می‌تواند جرم‌زا باشد. می‌توان شخصیت‌های جذاب، قانون‌مدار و اخلاق‌مدار خلق کرد تا مخاطب با او همذات‌پنداری کرده و با تقلید ارزش‌های او را درونی سازد. در سینما، راه‌حل بحران و فضای انتخاب عقلانی به مخاطب ارائه می‌شود. می‌توان آموزش داد ارتکاب جرم به سعادت و رهایی از درد و رنج منجر نمی‌شود. بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم بر اساس منطق، راست‌گویی و صداقت گرفته شده و به پیروزی فرد می‌انجامد.



## References

- Aghaei, S. (2018). Media and crime from the perspective of cultural criminology, *Criminal Law and Criminology studies*, 8(1), 1-35. [In Persian]
- Aghaei, S. (2017). The application of cultural criminology in the analysis of children and adolescents' delinquency, focusing on the concept of carnival, adrenaline and second life, *Criminal Law and Criminology Research Journal*, 6(11), 191-214. [In Persian]
- Allahvardi, F., Farjiha, M. (2014). Media Criminalization: Encoding and Decoding Shock Documentary, 9(1), 1-17. [In Persian]
- Azad Eramaki, T. (2008). Investigation of the functions of cinema in Iran, *sociology of art and literature*, 1(2), 130-99. [In Persian]
- Bahmani, M., Khushgoyan Fard, A. (2014). Analysis of narrative in fiction films based on structuralism and poststructuralism approach (a case study of the film *noghte Kur*), *Communication Research Quarterly*, 82(2), 26-9. [In Persian]
- Bahrini, S and Hosseini, M. (2017). Language as a representation of culture, from Stuart Hall's point of view according to Ferdinand de Saussure's point of view, *Philosophical Journal of Cognition*, 79(1), 7-22. [In Persian]
- Bokharai, A. (2012). *Sociology of social deviations*, 4th edition, Tehran, Payam Noor, [In Persian]
- Bordel, D. (2015). *The Art of Film: Documentary, Experimental, Animation*, translated by Fatah Mohammadi, published by Raunq, (Fidibo electronic version). [In Persian]
- Brodeur, V. (2018). Female law enforcement police officer's experiences of workplace harassment, M.A thesis, California State University, San Bernardino
- Danesh Nari, H. and Hosseini, S. (2019). Analysis of the content of the movie "Joker" with the approach of cultural criminology, *Global Media Journal*, 15(1), 77-98. [In Persian]
- Danesh Nari, H. and Nisari Javan, E. (2019). Criminal analysis of gender-oriented approaches in Iranian cinematographic works, the case study of the movie "Mastaneh", *Criminal Law Research*, 8(1), 41-73. [In Persian]
- Dehaqani, E., et al. (2019). The relationship between virtual social networks and committing violent crimes, *Intelligence and Criminal Research Quarterly*, 13(1), 65-90. [In Persian]

- Delmas Marti, M. (2008). *The paradigm of war against crime, legitimizing the inhumanity*, translated by Ruhuddin Kurdalivand, New Criminal Sciences, first edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Gassin, R. (1995). *Theoretical criminology*, translated by Mehdi Kaynia, Tehran, Majd. [In Persian]
- Ghasemi Moghadam, H. (2008). Risk management approach in the prevention of recidivism, *the first national conference on crime prevention (collection of articles)*, Naja police applied research office. [In Persian]
- Hall, S. (2012). *Meaning, culture. Social life*, translated by A. Golmohammadi, Tehran, Nei publication. [In Persian]
- Ishaqpour, Y. (2018). *Kiarostami Behind and on Reality*, translated by Mohammad Reza Sheikhi, Tehran, Shoor Afarin publishing house (Fidibo edition). [In Persian]
- Jess Ladi, L. (2018). *Peaceful Criminology*, Translated by Hanieh Hejbralsadati, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- John Fiske. (2013). *Television and Culture*, translated by Mezgan Broumand, *Organon Magazine*, (19). [In Persian]
- Kari Yu, R. (2018). Early psychological-social interventions in the prevention of criminal behavior, *Journal of Legal Research*, translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, (35 & 36), 267-295. [In Persian]
- Khodadadi, F. and Taheri, H. (2017). Explaining the differences between narrative and non-narrative text, *Literary Research Text*, (71), 29-47. [In Persian]
- Mahmoudi Bakhtiari, B. and Ghanion, K. (2017). Opposition in Iranian Cinema: A Post-Structuralist Approach, *Women in Culture and Art Magazine*, 9(3), 384-359. [In Persian]
- Menel, B. (2014). *Cities and Cinemas*, Navid Pour Mohammadreza and Nima Isapour, Bidgol. Publishing, Tehran, (Fidibo version), [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. and Goldouzian, H. (2017). Postmodern criminology and its approach to crime and etiology, *Criminal Law Research*, (23), 46-9. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. (2008). *A summary of criminology topics*, compiled by Mojtaba Jafari. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. (2019). *Sociology of Crime*, Lectures on Criminal Sociology, revised and edited by Hamed Safai Atashgah. [In Persian]

- Najafi Abrandabadi, A. (2011-2012). From critical criminology to security criminology, criminology course presentations, prepared by Sakineh Khanalipour and Mehdi Ghorbani, Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Rahmani, S., Jafari, A. (2021). Prevention of committing honor killings against women by looking at the feminist theory of criminology, *Scientific Quarterly of Crime Prevention Studies*, (59), 23-45. [In Persian]
- Rashidian, A. (2015). *Postmodern Culture*, Second Edition, Tehran, Ney Publishing. [In Persian]
- Sadeghi Fasaee, S. (2019). Crime: Constructed by Subjectivity, Discourse and Power, *Law Research Quarterly*, (33), 213-234. [In Persian]
- Sadiq Sarvestani, R. (2006). *May God have mercy on him, Social Pathology*, Tehran, Samt Publications. [In Persian]
- Saussur, F. (2015). *General Linguistics*, translated by Korosh Safavi, Tehran, Hermes Publications. [In Persian]
- Seeger, L. (2016). *Subtext in the screenplay: What is hidden, Translated by Mehdi Kia*, second edition, Tehran, Cheshme Publishing House, (Fidibo version) [In Persian]
- Storey, J. (2008). *Cultural studies on popular culture*, translated by Hossein Payandeh, Tehran, Neshar-Age. [In Persian]
- Voled, G. (2013). *Theoretical Criminology*, translated by Ali Shayan, Tehran, Samt Publications. [In Persian]
- White, R., and Haines, F. (2015). *Crime and Criminology*, translated by Ali Salimi, Hoza and University Research Institute, Qom, 7th edition. [In Persian]
- Wooddruff, R. (1922). Classification of the causes of crime, *Journal of Criminal Law and Criminology*, 12(1), 105-110. [In Persian]
- Zadeh Bagheri, V. et al (2020). Investigation of the relationship between sensation seeking and committing crimes in children and adolescents of Yasouj city in 2019, *Armaghan Danesh magazine*, 26(1) (144). [In Persian]
- Alivardi Nia, A., Riahi, M., Mousavi Chashmeh, S. (2018). Sociological Study of Delinquency: An Experimental Test of Agnew's General Theory of Pressure, *Iranian Journal of Sociology*, 8(2), 82- 111. [In Persian]
- American Psychological Association Dictionary.  
[Http://dictionary.apa.org/Stockholm-syndrome](http://dictionary.apa.org/Stockholm-syndrome), available at 10/15/2022.

- Cerezo, A. I. (2016). Women in prison in Spain: the implementation of Bangkok Rules to the Spanish prison legislation, *European Journal on Criminal Policy and Research*, 122(2) 1-26. [In Persian]
- Charissa, C. (2019). Meaning Making through Narratives: Extended Narratives Analysis for Criminological Examination of Documentary Films, *The Journal of Qualitative Criminal Justice and Criminology*, 17(3).
- Croteau, D. and Hoynes, W. (2019). Media and Society, industries, images and audiences, Sixth Edition, Sage Publication.
- David, B. M. (2018). Women in policing: Breaking barriers and Blazing a Path, National Institute of Justice Special Report, u.s Department of Justice
- Dekeseredy, W. S. (2013). *Contemporary Critical Criminology*, Dadgstar Publishing.
- Ferrell, J. (1999). Cultural criminology, *Annual Review of Sociology*, 25, 395-418
- Giro, P. (2008). *Encoding and decoding in cultural studies*, translated by Sh. Vaqfipour et al., Tehran, Nasher Ney, [In Persian]
- Habibzadeh, A., Afkhami, H., Naderpour, M. (2008). Investigating the dual role of the media in the prevention and occurrence of crimes, *Social Order Quarterly*, (2), 142-108. [In Persian].
- Hall, S. (2019). Excerpts from the act of representation, translated by Ehsan Shagasm, (3), Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
- Havako, G. (1982). *Sociology of Cinema*, translated by Behrouz Torani, Tehran, Aineh Publishing. [In Persian]
- Henry, S. & Milovanovic, D. (2000) Constitutive criminology: origins, core concepts and evaluation, *Social Justice*, 27(21), published online <https://doi.org/10.1007/s10612-019-09437-9>
- Lerni, M., and Maslahati, H. (2007). Thinking on the functional role of the media in creating public participation and public security and public security, *Social Security Studies Quarterly* (67)
- Maruna, S. (2020). Where is the storytelling going? A critical analysis of the emerging field of narrative criminology, annual review of criminology, Queens University,,Belfast,4,125,<https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-061020-021757>
- Milovanovic, D. (2007). The legalistic definition of crime and an alternative view, *Official State Gazette*, (281).

- Presser, L. (2020). Narrative Criminology. *Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*.
- Presser, L., and Sveinung, S. (2019). *Narrative criminology as critical criminology*, critica.
- Rader, N. E., and Rhineberger, G. M. (2010). *A Typology of Victim Characterization in Television Crime Dramas*, *Journal of Criminal Justice and Popular Culture*, School of Criminal Justice, 17 (1), 231-263.
- Rafter, N. (2006). *Shots in the mirror: Crime Film and Society*, 2 ed, New York, Axford University Press.
- Sadr Tohidkhaneh, M. (2008). *Laws in the enemy's core, from the American policy of countering terror to the German theory of the enemy's criminal law*, *New Criminal Sciences*, first edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Sediq Sarvestani, R. (2006). *Social Pathology*, Tehran, Samt Publications.
- Shams Nateri, M., Mustafapour, A. (2017). The intersection of criminological ideas of "rehabilitation" and "disability" in the 1992 Penal Law, *Criminal Law Research Journal*, 1(15), 111-134. [In Persian]
- Siegel, L. J. (2001). *Criminology: theories, patterns and typologies*, Wadsworth,
- Spina, F. (2017). *Crime films, criminology and criminal justice*, Oxford University Press, 22
- Strinati, D. (2008). An introduction to theories of popular culture, Translated by Teriya Pak Nazar, Tehran, Gam No. [In Persian]
- Sultani, A. (2012). *Power of Discourse and Language*, 4th edition, Tehran, Ney Publishing. [In Persian]
- Welsh, F., Dowler, A., Thomas, K. (2011). Constructing crime and justice on film: meaning and message in cinema, *Contemporary Justice Review*, 14(4), 457-476.
- Yan, M., et al. (2009). *Theories of criminology*, translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran, Mizan. [In Persian]

